

زیارت ناحیه مقدسه؛از سوگ تا مبارزه

زیارتی که تاریخ را زنده می‌کند

ناحیه مقدسه

محمد جواد علی‌پورادر میان انبوه زیارت‌نامه‌های شیعی، زیارت ناحیه مقدسه جایگاهی ویژه دارد. این متن که با عباراتی آکنده‌از اندوه‌وخشم، مصائب‌کاروان‌امام حسین^(ع) را روایت می‌کند، تنها یک مرثیه و سوگ‌نامه نیست، بلکه بیانی‌ای سیاسی، عرفانی و اجتماعی است که قرن‌ها الهام‌بخش مبارزات شیعیان بوده‌است. اما چرا این زیارت پس از قرن‌ها هنوز تازه و تأثیرگذار است؟

- زیارتی از زبان امام زمان^(عج)؛ روایتی که اعتبار می‌آفریند

برخلاف بسیاری از زیارت‌نامه‌ها، زیارت ناحیه مقدسه را امام زمان^(عج) خطاب به جدشان امام حسین^(ع) خوانده‌اند. این انتساب، به آن وجهه‌ای قدسی بخشیده و باعث شده‌است در میان شیعیان از اعتبار ویژه‌ای برخوردار باشد. هرچند برخی محققان در سند آن بحث کرده‌اند، اما عموم علما، از جمله علامه مجلسی، آن را معتبر دانسته‌اند. این زیارت، پیوندی ناگسستنی بین امام حسین^(ع)، امام زمان^(عج) و شیعیان ایجاد می‌کند؛ گویی امام عصر^(عج) خود را در سوگ جدشان حاضر می‌بینند و شیعیان را به همدردی فرا می‌خوانند. زیارت ناحیه، متنی چندلایه است که در هر بخش آن، پیامی نهفته است. این زیارت، جزئیات وقایع عاشورا را با چنان شدتی توصیف می‌کند که گویی شنونده در کربلای سال ۶۱ هجری حاضر است. از فرود آمدن تیغ بر سر امام^(ع) تا اسارت اهل بیت^(ع)، همه را با کلماتی آتشین باگو می‌کند.

- لعن بر ستمگران؛ صدایی که هرگز خاموش نمی‌شود

زیارت ناحیه، لعن و نفرین بر قاتلان امام حسین^(ع) را به روشنی بیان می‌کند. این بخش، تنها یک نفرین ساده نیست، بلکه نفی هرگونه سازش با ظلم در طول تاریخ است. در بخشی از زیارت آمده است: **اَللّٰهُمَّ عَلَیْکَ یَا نَّازِرُ... وَ اِنَّ ثَارَهُ... (سلام بر تو ای خون‌خواه خدا و فرزند خون‌خواه او...)** این عبارات، بیعت مجدد با آرمان‌های عاشورا است؛ گویی زائر با خواندن این زیارت، دوباره پیمان مبارزه با ظلم را تجدید می‌کند.

- زیارت ناحیه در جهان امروز؛ از منبر تا میدان مبارزه

زیارت ناحیه مقدسه، همواره منبع الهام جنبش‌های شیعی بوده است. در انقلاب اسلامی ایران، روحانیان با استناد به مضامین این زیارت، مردم را به قیام علیه طاغوت تشویق می‌کردند. در مقاومت حزب... لبنان، شهدا پیش از عملیات‌های خود، این زیارت را زمزمه می‌کردند. در قیام‌های اخیر شیعیان مانند انتفاضه‌های فلسطین یا اعتراضات بحرین، بازتاب مفاهیم این زیارت دیده می‌شود. در مراسم اربعین در کربلا، نیز شنیده‌ایم که زائران ایرانی و عراقی، زیارت‌ناحیه را با صدایی یکپارچه می‌خوانند و انگار این زیارت فقط عزاداری نیست، بلکه یادآوری است که ما هم باید در برابر ظلم بایستیم. آیا زیارت ناحیه خشونت‌آمیز است؟ برخی منتقدان می‌گویند لعن و نفرین در این زیارت، روحیه خشونت را ترویج می‌کند. اما در پاسخ می‌توان گفت: این زیارت، واکنشی به ظلم تاریخی است، نه تبلیغ خشونت کور و در ادبیات شیعه، لعن به معنای بی‌زاری از ظلم است، نه دعوت به خشونت و برچسبی که امروز به عنوان ترور زده می‌شود. زیارت ناحیه مقدسه، تاریخ زنده شیعه است. این متن، اشک را به مبارزه پیوند می‌زند و به شیعیان یادآوری می‌کند که سوگ امام حسین^(ع)، تنها یک مراسم نیست، بلکه درس مقاومت است. در دنیای امروز، هرجا ستمی باشد، صدای این زیارت نیز به گوش می‌رسد. شاید بتوان گفت زیارت ناحیه، بیانی‌به مبارزه شیعیان در طول تاریخ است، متنی که از قرن‌ها پیش تا امروز، از عاشورا تا انقلاب اسلامی، از کربلا تا فلسطین، زنده و جاری است.

برخی منابع: ۱. مصباح المتبجح، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة - جلد ۲، ۷۸۳ / ۲، الدلائل الآئین، بیروت، مؤسسه الأعلمی - ص ۲۳۱-۲۳۵ / ۲، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی - جلد ۹، ص ۲۷۲-۲۸۱ / ۲، پژوهشی در زیارت ناحیه مقدسه، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی / ۵، حماسه حسینی، تهران، صدرا - جلد ۲، ص ۱۵۶-۱۶۰

توافق نامه امضا شد

شریعه

سمانه رضوانی|حکایت آن روزها حکایتی نیست که فقط هرسال روضه‌اش را بخوانیم واشک بریزیم. حکایت فقط تیغ و تیر و خنجر نبود، ماجرای ظلم و حق سستیزی بود که به این روزهای ما هم بی‌ربط نیست؛ هرچند همه تاریخ پر است از این روایت‌ها که خیلی‌هایش از ماجرای عاشورا سرچشمه گرفت. بگذارید ماجرای عاشورا را با زبان رسانه‌ای و تبلیغاتی امروز مرور کنیم. امام حسن^(ع) صلح کرد با معاویه. معاویه می‌دانست که امام اهل مذاکره نیست، البته معاویه حکومت می‌خواست و بیعت امام را هم برای مشروعیت دادن به خود و حکومتش لازم داشت، اما امام می‌خواست بجنگد و روبه‌روی ظلم بایستد. وقتی پسر علی^(ع) رفته بود نیرو بیاورد، رسانه‌های دشمن از غیبتش سوءاستفاده کردند و به کار افتادند. پول دادند و شایعه را دهان به دهان چرخاندند که امام حسن^(ع) تقاضای صلح کرده است. عده‌ای هم باور کردند. نیروهای لشکر و هم‌پیمانان ریزش کردند. با خبر مجروح شدن امام، لشکر از هم پاشید و اشراف هم در کوفه کار را تمام شده دیدند و با معاویه بیعت کردند. امام تردیدی در جنگ نداشت اما از رفتار مردم و در مجموع عوامل صلح را پذیرفت اما قبل از پذیرش صلح، شرط‌هایی گذاشت که معاویه مجبور به پذیرش آن شد و توافق صورت گرفت. اما معاویه هنوز خطر امام حسن^(ع) را احساس می‌کرد و دست به ترور ایشان زد. ترور توسط عوامل داخلی صورت گرفت. جعهده، همسرا امام، ایشان را مسوم کرد و به شهادت رساند. نامه نوشتند به امام حسین^(ع) که با تو بیعت می‌کنیم و بیعت را از معاویه خلع می‌کنیم، اما امام حسین^(ع) قبول نکرد و گفت ما صلح‌نامه‌ای داریم که تا مرگ معاویه به آن پایبندیم. حتی زمان صلح هم عده‌ای می‌خواستند بین این دو برادر تفرقه بیندازند. عده‌ای افراطی خود را جلوتر از امام فرض کردند که آئی! امام حسن^(ع) صلح را پذیرفته است، ای حسین^(ع)! بیا امامت شیعیان را به عهده بگیر و به جنگ معاویه برویم. معاویه مُرد و مفاد صلح نامه رعایت نشد و پسرش یزید جانشین او شد.

شماره ۱۴

شماره ۱۴
مهر ۱۳۹۴
شماره ۴۵۰



مبارزه

مروری بر نقشی که جناب مسلم در نهضت حسینی ایفا کرد

سفیر امام، اولین شهید عاشورا

آمنه مستقیم| یکی از سنت‌های دیرینه و زیبا و الگوبخش محرم حسینی، اختصاص هر شب از شب‌های دهه اول این ماه به یکی از شهدای خاص این واقعه جان‌سوز و تاریخی است تا با بیان مصائب، رشادت‌ها و اثرگذاری آن‌ها در قیام عاشورا، ضمن گرامیداشت یاد و نامشان، راهشان نیز ادامه یابد و «کُلَّ یَوْمٍ عاشورا و کُلَّ أرضٍ کربلا، را از شعار به عمل تبدیل کند. در دهه اول محرم با الگو قراردادن مناسک سنتی اقامه اذان به ذکر مصائبی که بر امام حسین^(ع) و همراهان ایشان رفته است می‌پردازیم. در قسمت واقعه هر روز به نقشی که برخی از شهدا در عاشورا ایفا کردند، پرداخته‌می‌شود و پای منبر بزرگان و علما می‌نشینیم. در ادامه و در نخستین منبر، بیانات حجت‌الاسلام والمسلمین علی نظری منفرد، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و کارشناس سمت خدا، را درباره جناب مسلم و بسترسازی‌هایش برای قیام عاشورا بررسی می‌کنیم.



حجت‌الاسلام والمسلمین نظری منفرد|حضرت مسلم^(ع) پسر عقیل، نوه حضرت ابوطالب^(ع) و پسرعموی حضرت سیدالشهدا^(ع) بود و در نیمه ماه مبارک رمضان بعد از اینکه نامه‌های انبوه مردم کوفه به امام حسین^(ع) رسید و از ایشان برای رفتن به کوفه دعوت شد، امام، مسلم را مأمور کردند تا به کوفه برود، اوج عظمتی که حضرت سیدالشهدا^(ع) برای مسلم قائل هستند، در نامه معرفی ایشان تجلی یافته بود، وقتی نوشتند: «من، برادرم و پسرعمویم و کسی را که مورد اطمینان و وثوق من است، به سمت شما فرستاده‌ام».

- والی شایسته‌ای برای کوفه

کوفه یکی از دوشهر بزرگ عراق و پایتخت امیرالمؤمنین^(ع) بود. امام حسین^(ع) باید کسی را به کوفه می‌فرستادند که شایستگی مدیریت شهری با این جایگاه را داشته باشد. سه تعبیری که حضرت در معرفی مسلم بن عقیل^(ع) به کار برده‌اند، جایگاه و شأن او و وثوق وی نزد امام زمانش را نشان می‌دهد. گریه کردن هنگام وداع با مسلم و تکرار آیه استرجاع (إِنَّا لله وَاِنَّا اِلَيْهِ راجعون) هنگام دریافت خبر شهادت وی، نشانگر جایگاه ویژه مسلم نزد امام^(ع) است. بنا بر نقل مسعودی در «مروج الذهب»، حضرت مسلم^(ع) روز پنجم ماه شوال به کوفه رسید و به منزل مختار تفتی وارد شد. این نشان می‌دهد که مختار، شخصیتی مطرح و از محبان و یاوران اهل بیت^(ع) بوده است.

- مکر ابن زیاد در مقابل مجاهدت مسلم

جناب مسلم^(ع) به محض ورود درصدد ایجاد زمینه و تمهیدات سفر و حضور حضرت ابوعبدا...^(ع) در کوفه برآمد و کوشید زمینه را برای حضور امام فراهم کند. چون اخبار فعالیت‌های مسلم به یزید رسید، وی دید تنها کسی که می‌تواند با فریب و سیاست، میان مردم و سفیر امام حسین^(ع) فاصله بیندازد، ابن زیاد است که در بصره حضور داشت. عبیدا... چون نزدیک کوفه رسید، صبرکرد تا هوا تاریک شود، آن‌گاه با تعداد یاران اندکش داخل شهر شد، درحالی‌که عمامه سیاه بر سر نهاده و دهان خود را بسته بود و از سمتی وارد کوفه شد که مسافران حجاز از آن سو وارد شهر می‌شدند تا مردم گمان کنند او حسین بن علی^(ع) است. وی به محض ورود به دارالاماره، سران قبایل را احضار کرد و براساس برخی نقل‌ها از آن‌ها خواست که بیعت‌کنندگان با مسلم را معرفی کنند و چون نپذیرفتند، همان جا آن‌ها را به شهادت رساند.

- نخستین شهید قیام کربلا

ابن زیاد با ترساندن مردم از حرکت لشکر شام به‌سوی کوفه و به خاک‌وخون کشیدن اهالی، آن‌ها را از مسلم جدا کرد و همین موضوع باعث شد آن جناب در منزل هانی مخفی شود و نهایتا هم دستگیر و در روز نهم ذی‌الحجه، روز عرفه، از بالای دارالاماره به پایین پرتاب شود و بالبال تشنه همچون مولایش به شهادت برسد. اینکه در شب نخست از ماه محرم، مجالس حسینی به یاد و ذکر مصائب جناب مسلم اختصاص دارد، برای آن است که او نخستین شهید کربلا و قیام عاشورا است و قبل از رسیدن کاروان امام^(ع)، جان‌فدا و شهید قیام حسینی شد.

روشنا

قال الصادق^(ع) : اذا اردت الحسين فزره و انت حزین
مکروب شعنا غبرا جاعنا عطشنا.(وسائل الشیعه، ج: ۱۰، ص: ۴۱۴)

- به زانودرآوردن مرگ

جناب مسلم^(ع) ترس و هراسی از مرگ نداشت و در صبح شهادت، خطاب به خود گفت: «ای مسلم! به سمت مرگ برو که هیچ فراری از آن نیست» و وقتی با اولین ضربه به شهادت نرسید، رو به قاتلش گفت: تو را بس نشد؟ این شجاعت باعث شد که ابن زیاد بگوید: آیا انسان هنگام مرگ هم افتخار می‌کند؟ مرور اتفاقاتی که بر جناب مسلم رفت و کیفیت شهادت و نوع برخورد او ثابت می‌کند که وقتی انسان راه مستقیم و حق را در پیش گرفته باشد، نه تنها از مرگ نمی‌هراسد، بلکه مرگ پیش او کم می‌آورد. امام حسین^(ع) وقتی خبر شهادت مسلم^(ع) را شنیدند، فرمودند: «مسلم به طرف رحمت و رضوان الهی رفت؛ آنچه بر عهده‌اش بود، عمل کرد و بر ماست که به وظیفه خویش عمل کنیم».

- اوج جوانمردی و فتوت

شریک بن اعور همدانی که از بصره با ابن زیاد به کوفه آمده و از اسب افتاده و زنجور بود، در خانه هانی منزل داشت؛ شریک که از شیعیان بود، به جناب مسلم گفت: ابن زیاد به عیادت من خواهد آمد و من حرف زدن را طول می‌دهم. پس بیرون بیا و او را با شمشیر به قتل برسان و علامت بیرون آمدن این باشد که من می‌گویم آب بیاشامید. اما در روز موعود، جناب مسلم چنین نکرد و بعد از رفتن عبیدا... و در پاسخ به آنکه چرا کار را تمام نکردی گفت: به دودلیل؛ یکی آنکه علی^(ع) از رسول خدا^(ص) روایت می‌کرد که آن حضرت فرمودند: «مؤمن کسی را به حيله نمی‌کشد». دوم اینکه وقتی قصد بیرون آمدن کردم، زوجه هانی گریه کرد و گفت، تو را قسم می‌دهم به خدای تعالی که ابن زیاد را در خانه ما به قتل نرسانی، پس شمشیر انداختم.

- او امیر شماس‌ت نه من

اگر جناب مسلم، ابن زیاد را در منزل هانی کشته بود، این بهانه‌ای می‌شد برای بنی امیه تا خون او و امام حسین^(ع) را پایمال کنند. این درایت سفیر امام^(ع) بود که حاضر شد به شهادت برسد اما به حيله، دشمن‌کشی نکند تا حضرت ابوعبدا...^(ع) به کوفه بیایند و قیام عاشورا رخ و تاریخ را آگاه کند. حضرت مسلم^(ع) انسان آزاده‌ای بود که هرگز زیر بار ظلم نرفت و هنگام ورود به دارالاماره وقتی گفتند به امیر سلام کن، پاسخ داد: او امیر شماس‌ت نه من! و حتی او را مسلمان نمی‌دانست. این انعطاف‌ناپذیری با ظلم و ظالم و زیر بار ظلم نرفتن، درس بزرگی است که آن حضرت برای ما به یادگار گذاشته‌اند.

- ولایت‌مدار تا آخرین لحظه

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های سیره جناب مسلم، ایمان و تعهد و ولایت‌مداری بود؛ وقتی تصمیم به شهادت او گرفته شد، در هنگام شهادت، دغدغه امام زمان خود را داشت و وصیت کرد: «نامه بنویسید و بگویید حسین بن علی^(ع) به کوفه نیاید.»؛ یعنی در آن لحظه

هم در فکر امام و مولای خود بود. او همچنین در اموالی که در اختیارشان بود، تصرفی نکرد و امانتدار بود و در وصیت خود آورد که من ۷۰۰ درهم در کوفه مقروض هستم، زن‌هم را بفروشید و این قرض را ادا کنید.

با نامه‌های امام تا کربلا (نامه ششم)

به‌سوی شما حرکت کردم

یاری شما. نوشته‌اند که حسین بن علی^(ع) با دریافت این نامه، خرسند شد و در پاسخ به آن برای اهل کوفه نامه‌ای نوشت. امام در این نامه نوشتند: «اما بعد برای من نامه‌ای از مسلم بن عقیل نوشته شد که مرا خبر می‌داد از اینکه شما بر یاری ما اجتماعی نموده‌اید و اجتماع کردید بر تحقق حق ما. از خدا درخواست کردم صنعتش را برای ما نیکو کند و بر آن پاداش دهد شما را؛ بهترین

پاداش‌ها و من به‌سوی شما حرکت کردم از مکه در روز سه‌شنبه، هشتم ماه ذی‌الحجه، پس هرگاه فرستاده من یعنی جناب عبدا... بن یقطر به شما رسید، شما در امر خودتان منکشف شوید، یعنی پرده‌پوشی رقت، از منقبت اهل بیت گفت و به مردم مژده حرکت امام حسین^(ع) را داد و در نهایت لعن حرامیان را کرد که به دستور ابن زیاد، او را از بلندی به زیر انداختند و شهد شهادت را به او نوشاندند.

